اخبار

قاچاق معکوس دارو چگونه اتفاق می افتد

رئیس اداره بازرسی اداره کل بازرسی و مدیریت عملکرد سازمان غذا و دارو، گفت: ضعف زیرساخت‌های کنترلی در برخی مبادی و کمبود تجهیزات نظارتی، زمینه انحراف دارو را فراهم می‌کند

به گزارش مهر به نقل از ایفدانا، رضا اکبرزاده، با تأکید بر نقش بازرسی در صیانت از زنجیره تأمین دارو، اظهار داشت: نظارت مستمر و هدفمند مهم‌ترین ابزار سازمان غذا و دارو برای پیشگیری از تخلف، قاچاق و انحراف دارو در بازار است. وی گفت: بازرسی در حوزه دارو صرفاً برخورد پس از تخلف نیست، بلکه یک فرآیند پیشگیرانه برای حفظ سلامت زنجیره تأمین و اطمینان از دسترسی ایمن بیماران به دارو محسوب می‌شود. اکبرزاده با اشاره به فشارهای بیرونی بر بازار دارو، افزود: بخشی از چالش‌های موجود، از جمله تحریم‌های مالی و تأخیر در تخصیص ارز، خارج از حوزه اختیارات مستقیم سازمان غذا و دارو است، اما بازرسی‌های هدفمند می‌تواند از تبدیل این فشارها به تخلف و رانت در سطح توزیع جلوگیری کند. رئیس اداره بازرسی سازمان غذا و دارو ادامه داد: نظارت بر زنجیره توزیع باید از مبدأ تولید و واردات تا سطح عرضه نهایی به‌صورت یکپارچه انجام شود و تکمیل سامانه‌های نظارتی، به ویژه در حوزه رهگیری و ردیابی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش شفافیت دارد. وی با اشاره به قاچاق معکوس دارو تصریح کرد: ضعف زیرساخت‌های کنترلی در برخی مبادی و کمبود تجهیزات نظارتی، زمینه انحراف دارو را فراهم می‌کند و این موضوع اهمیت تقویت بازرسی‌های میدانی و بین‌دستگاهی را دوچندان می‌سازد. اکبرزاده تأکید کرد: ارتقای اثربخشی بازرسی‌ها، نیازمند همکاری سایر دستگاه‌های نظارتی و قضائی در کنار مشارکت مردم در گزارش تخلفات است.

تغییر نام برخی معابر تهران

با رأی اکثریت اعضای شورای شهر تهران اسامی برخی معابر در مناطق مختلف شهر تهران تغییر پیدا کرد.

به گزارش ایسنا، پنجاه و پنجمین صورتجلسه کمیسیون نامگذاری و تغییر نام اماکن و معابر عمومی شهر تهران امروز (یکشنبه) در صحن علنی شورای شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این نامگذاری، نام کوچه دوم در خیابان شهید پاسدار گمنام با حفظ شماره به نام شهید علی سرجوقیان، کوچه وفا در خیابان شهید پاسدار گمنام به نام شهید داوود سویزی، کوچه بهار در خیابان شهید شاه آبادی به نام شهید مجید شاه علی، کوچه بهارستان در خیابان شهید محلاتی به نام شهید امیرحسین علی محمدی، کوچه سعدی در خیابان شهید میرهاشمی به نام شهید سید محمد موسوی مرویلی، کوچه هفتم در خیابان شهید درودیان به نام شهید احمدرضا شاه نظری عراقی، خیابان گل در خیابان پرستار جنوبی به نام شهید صالح بناهزایی، خیابان منفرد در خیابان خاوران به نام شهید علی حاجعلی، کوچه مفید در خیابان ۱۷ شهریور به نام شهید محسن خاکساری نامگذاری شد. همچنین اعضای شورای شهر تهران نام کوچه اول در خیابان خاوران را به نام شهید حسین مولایی سرلک چیوایی، کوچه مهران در خیابان لرستان را به نام شهید حسن مهدی پور و کوچه نسترن در خیابان پیروزی را به نام شهید حسین یوسفخانی کلیسا کندی تغییر دادند. در پایان این لایحه خیابان فاقد نام در خیابان نلسون ماندلا در منطقه ۶ به نام مرحوم رستم قاسمی تغییر کرد.

میراث مصباحیون در مدیریت زاکانی و سرنوشت تراژیک مجسمه‌ها در جمهوری اسلامی

چرا شاپور اول به پارکینگ شهرداری تبعید شد؟

مجسمه شاپور اول که با مراسمی پرزرق‌وبرق و به‌عنوان نمادی از «عظمت تاریخ ایران» در میدان انقلاب نصب شده بود، تنها چند هفته بعد بی‌هیچ توضیح رسمی جمع‌آوری و به پارکینگ شهرداری منتقل شد؛ سرنوشتی که نه یک اتفاق موردی، بلکه حلقه‌ای دیگر از زنجیره برخورد ایدئولوژیک با مجسمه‌هاست.

جمع‌آوری مجسمه پیش از دریافت مجوزهای قانونی، نشانه‌ای نگران‌کننده از «اولویت‌داشتن نمایش بر قانون» است. اگر پروژه‌ای فرهنگی، حتی در ساده‌ترین مراحل اداری دچار چنین آشفتگی است، چگونه می‌توان از سیاست‌گذاری کلان فرهنگی در شهر دفاع کرد؟

در آبان‌ماه امسال، شهرداری تهران در ادامه مجموعه اقدامات ملی‌گرایانه بعد از جنگ دوازده روزه، از مجسمه‌ای با موضوع به‌زانو درآمدن امپراتور روم، والرین، در برابر شاپور اول ساسانی در میدان انقلاب رونمایی کرد. این اثر که به‌سرعت به یکی از بحث‌برانگیزترین نمادهای شهری پایتخت تبدیل شد، هم تحسین علاقه‌مندان تاریخ را برانگیخت و هم با انتقادهای جدی هنری و سیاسی مواجه شد.

به گزارش رویداد۲۴، اما چند هفته بعد، بدون توضیح رسمی و شفاف، مجسمه از میدان انقلاب جمع‌آوری شد. همین اقدام، موجی از گمانه‌زنی‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخت؛ از «بی سرانجامی اثر» گرفته تا شایعاتی درباره انتقال آن به فرودگاه مهرآباد. حالا، اما مشخص شده مقصد مجسمه جای دیگری اسن؛ پارکینگ موتوری شهرداری منطقه ۹.

این جابه‌جایی، تراژیک و پارادوکسیکال است؛ شهرداری اثری که پیش‌تر به‌عنوان «نماد ایستادگی و عظمت ملت ایران» معرفی شده بود را نه‌تنها در یکی از میادین اصلی شهر یا حتی ورودی مهرآباد نگه نداشت، بلکه آن را گوشه پارکینگ موتوری شهرداری منطقه ۹ انداخت تا یادآور تلخی از نبادودی نماد عظمت ملت ایران باشد و برای هزارمین بار نشان دهد کمیت مدیریت شهری پایتخت لنگ می‌زند و شهردار تهران تا چه حد از مفاهیم ملی و مذهبی سو استفاده می‌کند.

مجسمه والرین و شاپور؛ از استقبال‌ها و انتقادها تا سرنوشت تراژیک

روز ۱۷ آبان، شهرداری تهران با مراسمی پرهزینه، بی سابقه و پرزرق‌وبرق—شامل نورافشانی، اجرای ارکستر سمفونیک، حضور خوانندگان شناخته‌شده و اجراهای نمایشی—از این مجسمه رونمایی کرد. مراسمی که بیش از آنکه یادآور یک پروژه فرهنگی پایدار باشد، شباهت زیادی به یک شوی تبلیغاتی داشت

مدیریت شهری در همان شب اعلام کرد هدف از نصب این اثر آن است که «دیپلمات‌ها و مقامات خارجی با نخستین قدم در ایران، با تاریخ و عظمت ملت ایران آشنا شوند». ادعایی بزرگ، آن هم برای میدانی که خود یکی از مهم‌ترین نمادهای سیاسی و فرهنگی تهران است.

اما این اقدام از همان ابتدا با واکنش انجمن مجسمه‌سازان ایران روبه‌رو شد. اعتراضی که نه از سر مخالفت سیاسی، بلکه از موضع نگرانی حرفه‌ای و فرهنگی مطرح شد. محسن رافعی، مجسمه‌ساز شناخته‌شده کشور، هشدار داد حذف نهادهای تخصصی از فرآیند تصمیم‌گیری و نبود نظارت کیفی، به افت سطح هنر شهری می‌انجامد. او همچنین انتخاب «والرین»، به‌عنوان نماد شکست، برای میدانی مهم همچون انقلاب را انتخابی بحث‌برانگیز و ناسازگار با هویت فرهنگی این فضا دانست.

جمع‌آوری زودهنگام به مقصد نامعلوم

با وجود این انتقادها، شهرداری تهران هیچ توضیح شفافی ارائه نداد و مسیر خود را ادامه داد. تا اینکه شامگاه ۲۴ آذرماه، ، مجسمه بدون اعلام رسمی و پیش از دریافت مجوزهای قانونی لازم از میدان انقلاب جمع‌آوری شد؛ اقدامی که گفته می‌شد مقدمه انتقال آن به ورودی فرودگاه مهرآباد است. اما این انتقال هرگز رخ نداد و سرانجام، مجسمه به پارکینگ موتوری شهرداری منطقه ۹ منتقل شد؛ مکانی کاملاً اداری، دور از نگاه عمومی و بی‌ارتباط با هرگونه مفهوم فرهنگی یا تاریخی. این در حالی است که همین اثر، تنها چند هفته پیش، با عنوان «نماد ایستادگی ملت ایران» معرفی شده بود؛ نمادی که امروز نه در میدان انقلاب است، نه در فرودگاه، و نه در هیچ فضای عمومی قابل مشاهده.

سابقه‌ای طولانی از مناقشه بر سر مجسمه‌ها

پرونده مجسمه «والرین» بیش از آنکه یک اختلاف سلیقه هنری باشد، دو نکته بسیار مهم را در دل خود دارد؛ نخست این که این ماجرا نمونه‌ای روشن از بحران مدیریت شهری در تهران در دوره شهرداری علیرضا زاکانی است؛ بحرانی که در آن، تصمیم‌های پرهزینه و پرسروصدا، جایگزین فرآیندهای شفاف، قانونی و تخصصی شده‌اند.

رویه سال‌های اخیر در شهرداری تهران نشان می‌دهد که هنر شهری نه به‌عنوان بخشی از زیست فرهنگی شهر، بلکه به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و تولید تصویر سیاسی تلقی می‌شود. وقتی پروژه‌ای با مراسمی پرزرق‌وبرق آغاز می‌شود، اما بدون توضیح روشن به پارکینگ ختم می‌شود، پرسش اصلی این است: هدف، تولید معنا بوده یا تصویر؟

جمع‌آوری مجسمه پیش از دریافت مجوزهای قانونی، نشانه‌ای نگران‌کننده از «اولویت‌داشتن نمایش بر قانون» است. اگر پروژه‌ای فرهنگی، حتی در ساده‌ترین مراحل اداری دچار چنین آشفتگی است، چگونه می‌توان از سیاست‌گذاری کلان فرهنگی در شهر دفاع کرد؟ چگونه مجسمه‌ای که قرار بود روایت‌گر «عظمت ملت ایران» باشد، حالا خود به نمادی از سردرگمی، شتاب‌زدگی و بی‌برنامگی تبدیل شده است.

نکته دوم، اما مهمتر و عمیق‌تر از رویکردهای مدیریتی علیرضا زاکانی در شهرداری تهران است؛ مساله، نگاه ایدئولوژیک به مدیریت شهری در همه سطوح حتی در سطح یک مجسمه است.

چه کسی است که ندادند «تاریخ مجسمه‌ها» در جمهوری اسلامی چه سرنوشت عجیبی داشته است؛ گروهی از اصولگرایان که عموما به عنوان طیف تندرو شناخته می‌شوند، از اساس با حضور مجسمه و تندیس، آن هم الهام گرفته از داستان‌های ملی ایرانیان، مشکل دارند.

دهه ۸۰ و مجسمه‌هایی غیب می‌شدند

تعدادی از مجسمه‌های نصب شده در سطح شهر تهران در طی مدت کوتاهی در سال ۱۳۸۹ ناپدید شدند. در آن روزها برخی از مسئولان نیروی انتظامی عنوان «سرقت» را برای مجسمه‌های شهری استفاده می‌کردند، اما برخی دیگر آن را تحت عنوان «جمع‌آوری توسط مقامات دولتی یا گروه‌های مذهبی مورد حمایت دولت وقت (محمود احمدی نژاد» توصیف کردند.

تعداد این مجسمه‌های گم شده تا اردیبهشت ۸۹ به ۱۲ مورد رسید که هر یک بین ۷۰ تا ۷۰۰ کیلو وزن داشتد. محمدباقر قالیباف شهردار وقت تهران امکان سرقت با انگیزه‌های غیر مالی را رد نکرد و پیگیری آن را از مسئولیت‌های نیروی انتظامی اعلام کرد.

اغلب این مجسمه‌ها نمادهای ملی و آثاری شاخص از هنرمندانی مطرح بودند؛ مجسمهٔ ستارخان اثری از شهریار ضرابی واقع در خیابان ستارخان، مجسمهٔ باقرخان از شهریار ضرابی واقع در خیابان شهرآرا، مجسمهٔ صنیع خاتم از حمید شانس واقع در پارک ملت، مجسمهٔ زندگی از فاطمه امدادیان و مجسمه‌ای از محمد مددی واقع در خانهٔ هنرمندان ایران، مجسمهٔ استاد شهریار از علی قهاری در پارک دانشجو، دو مجسمه از دکتر شریعتی در پارک شریعتی از حمید شانس، مجسمهٔ مادر و فرزند از هژیر ابراهیمی در شهرک غرب، مجسمهٔ ابن سینا از عذرا عبدالنبی در پارک بهجت آباد، مجسمهٔ گوساله در دانشکدهٔ دامپزشکی دانشگاه تهران، مجسمهٔ برنزی از روح‌الله شمسی‌زاده در پارک استقلال تهران.

پایگاه خبری تابناک، رسانه اصولگرا همان زمان سرقت این مجسمه‌ها را ناشی از مسائل اعتقادی توصیف کرد. این رسانه می گفت با توجه به وجود دوربین‌های پلیس در مراکزی که سرقت‌ها انجام گرفته و حضور نیروهای حراست و نگهبان مجموعه‌های مذکور، امکان حضور یک جرثقیل برای مدت زمان طولانی و سپس جابه‌جایی آن وجود ندارد.

به گزارش تابناک، تعلل و بی‌اعتنایی مقامات در رسیدگی به موضوع تردیدی باقی نمی گذارد که این سرقت‌ها با «انگیزه اعتقادی از سوی برخی گروه‌های خودسر و در هماهنگی با برخی مقامات» صورت گرفته‌است.

اظهارات عجیب دیگری هم همان زمان مطرح شد. مثلا خبرگزاری فارس به نقل از حسن محمدی «کارشناس ارشد میراث فرهنگی» اعلام کرد: «در پشت پرده سرقت سریالی مجسمه‌ای تهران احتمالاً دست‌های پنهان انگلیس وجود دارد.» وی دلیل خود را «سوابق کشور انگلستان در سرقت آثار تاریخی و اشیاء نفیس ملت‌ها» دانست

دهه ۹۰؛ ویرانی مجسمه‌ها

دهه ۹۰ داستان تخریب تندیس‌ها در شهرهای مختلف به خصوص در تهران روایتی تمام نشدنی بود. دهه ۹۰ زمانی بود که برخلاف دهه ۸۰ مجسمه‌ها گم نمی‌شدند، بلکه نابود می‌شدند. بهار سال ۱۳۹۳ اخبار ویرانی تندیس‌ها یکی پس از دیگر در رسانه‌ها منتشر می‌شد.

در آن زمان سازمان زیباسازی شهرداری تهران در ضلع جنوبی میدان هفت تیر، میدان ونک و ورودی فرهنگسرای ارسباران سه مجسمه با موضوع فرهنگ کُردی را نصب کرد. این آثار هنری شامل مجسمه «مردی با چتر» اثر چنگیز اقبالی، تندیس مردی با لباس کُردی اثر عفت جلیل‌نژاد و تندیس «قاله مه ره» (قادر عبدالله‌زاده) شمشال نواز بنام کُرد، بود.

اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ به تندیس سوم آسیب جدی وارد آمد و روشن نشد چه فرد یا افرادی با چه هدف و انگیزه‌ای به این کار اقدام کردند.

خرداد ماه همان سال، خبرگزاری ایرنا در گزارشی در این‌باره نوشت که بررسی ها برای شناسایی دست اندرکاران جریان ویرانگری و ربایش مجسمه‌ها و تندیس‌ها در شهرهای ایران به ویژه تهران به جایی نرسیده و تکرار این رخداد، امری عادی شده است.

ایرنا پدیده تخریب مجسمه ها را یک پدیده نادر و نمونه‌ای از «وندالیسم» (ویرانگری) خواند؛ واکنشی خصمانه و کینه توزانه به برخی از صور فشارها، تحمیل ها، ناملایمات، حرمان ها، اجحاف‌ها و شکست ها. ایرنا گفت پرسش اینجاست که این جریان ویرانگری چرا یک راست سراغ مجسمه‌ها می‌رود و چرا درباره این موضوع توضیح قانع کننده و قانونی چندانی داده نمی‌شود.»

هم در سال‌های پایانی دهه ۸۰ که مجسمه‌ها غیب شدند و هم در دهه ۹۰ که تخریب به رویه تبدیل شده بود، همواره انگشت اتهام به سمت نیروهای هوادار مصباح یزدی بود. اگرچه این مساله هرگز تایید یا رد نشد، اما دیدگاه‌های مصباح درباره ساخت مجسمه و تندیس این اخبار غیررسمی را تقویت می‌کرد.

به غیر از مصباح یزدی هم چهره‌های دیگری منتقد هنر مجسمه سازی بودند. آیت‌الله سید هاشم بطحایی گلپایگانی، عضو وقت مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۹۵ در گفت‌وگو با خبرنگار قرآن و عترت باشگاه خبرنگاران جوان با اشاره به نظر قرآن در خصوص مجسمه‌سازی گفته بود «اسلام مجسمه‌سازی را در دسته لغویات قرار داده و از آن به عنوان کارهای بیهوده یاد می‌کند.»

پایگاه خبری مشرق نیوز نیز در سال ۱۳۹۵ گزارشی از فتاوای مختلف در اینباره منتشر کرد؛ بر اساس این گزارش آیت‌الله صافی گلپایگانی «ساختن مجسمه و خضوع در مقابل آن و همچنین نیایش و احترام در برابر مجسمه ها و نصب آنها در معابر و میادین، را حرام می داند». آیت‌الله مکارم شیرازی درباره حرمت نقّاشی و مجسمه سازی با توجه به اینکه در عصر مدرن، دیگر ذهنیّت بت پرستی را در عموم مردم ایجاد نمی کند و به عنوان هنر شناخته می شود گفته «مجسمه سازی و خرید و فروش آن در هر حال اشکال دارد مگر در مواردی که جنبه اسباب بازی دارد»

ماجرای «شاپور اول و والرین»؛ مسئله فقط یک مجسمه نیست

ماجرای «والرین» تنها درباره یک اثر هنری نیست. مساله «نگاه اقتدارگرایانه و غیرپاسخ‌گو به هنر و فضای عمومی شهر» و رویکرد استفاده سیاسی و انتخاباتی از هر ابزاری است.

تا زمانی که هنر شهری نه به‌عنوان بخشی از حافظه جمعی و زیست فرهنگی شهر، بلکه به‌مثابه ابزاری برای نمایش قدرت یا بهره‌برداری سیاسی دیده شود، سرنوشت‌هایی شبیه آنچه بر مجسمه «والرین» رفت، نه استثنا، بلکه قاعده خواهد بود. علاوه بر این نباید از نظر دور داشت که مدیریت فعلی شهرداری تهران بی نصیب از رسوب فکری دیدگاه‌های جریان مصباح یزدی نیست. جریانی که با همراهی گروه‌های دیگر در برهه‌های زمانی مختلف سرنوشت‌های عجیبی را برای مجسمه‌ها در ایران رقم زدند.

خبر

جوانانِ بی‌رغبت به جوانی جمعیت

سقوط آزاد ازدواج در ایران

آمار منتشرشده از کاهش میزان ازدواج ثبت شده در کشور، توجه بسیاری را به خود جلب کرد.

نموداری که تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در فصول مختلف سال‌های اخیر را نشان می‌دهد، از ارقامی بالای ۱۷۰ هزار در فصل‌های پررونق گذشته به حدود ۹۷ هزار مورد در پاییز ۱۴۰۳ سقوط کرده است.

به گزارش سرویس اجتماعی تابناک. این تصویری است از روند نزولی ازدواج در ایران و این آمارهای جدید، بحث‌های گسترده‌ای را در فضای مجازی برانگیخت. بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال، تعداد ازدواج‌های سالانه از حدود ۸۰۰ هزار مورد در اوایل دهه ۱۳۹۰ به حدود ۴۷۰ هزار در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته؛ کاهشی نزدیک به ۴۰ درصد که با افزایش میانگین سن ازدواج همراه بوده است. مردان اکنون به طور متوسط در ۲۸.۳ سال و زنان در ۲۴.۱ سال ازدواج می‌کنند. در هفت ماه نخست ۱۴۰۴ نیز تنها حدود ۲۷۲ هزار ازدواج ثبت شده و نسبت طلاق به ازدواج به مرز ۴۰ درصد نزدیک شده است. اساس آمار رسمی مرکز آمار ایران، منتشرشده در اسفند ۱۴۰۳، در پاییز سال گذشته، تعداد ۱۱۸ هزار و ۴۵۰ ازدواج ثبت‌شده است، یعنی افزایش نسبت به تابستان همان سال، اما کاهش ۱۳ هزار و ۶۹۱ مورد نسبت به پاییز سال قبل‌تر). اما پاییز ۱۴۰۲نیز تعداد ۱۳۲ هزار و ۱۴۱ ازدواج ثبت‌شده است. این ارقام نشان‌دهنده کاهش حدود ۱۰ درصدی ازدواج در پاییز ۱۴۰۳ نسبت به پاییز ۱۴۰۲ است، که با روند کلی نزولی ازدواج در سال‌های اخیر همخوانی دارد. و حالا با عددی زیر یکصدهزار ازدواج مواجه هستیم.

تلاقی با طرح افزایش جمعیت

این روند نزولی، مستقیماً با سیاست‌های جوانی جمعیت گره خورده است. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که در سال ۱۴۰۰ تصویب شد، با ارائه مشوق‌هایی مانند تسهیلات بانکی، مرخصی زایمان و حمایت‌های غذایی، قصد داشت ازدواج و فرزندآوری را تشویق کند. اما پس از چهار سال، مقامات رسمی اذعان دارند که این قانون تغییر محسوسی ایجاد نکرده است.

نرخ باروری از ۶.۸ فرزند در دهه ۶۰ به کمتر از ۱.۵ رسیده و فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول به بیش از ۴ سال افزایش یافته است.

مشوق‌های ناکارآمد

دلایل این ناکامی عمیق‌تر از سیاست‌های اداری و اقتصادی است. فشارهای اقتصادی مانند تورم، بیکاری جوانان و هزینه‌های سنگین مسکن و زندگی، ازدواج را برای بسیاری به آرزویی دست‌نیافتنی تبدیل کرده است. تغییرات فرهنگی، افزایش تحصیلات زنان و اولویت‌های جدید نسل جوان نیز نقش دارند، اما کارشناسان تأکید می‌کنند که بدون امنیت اقتصادی، هیچ مشوقی مؤثر نیست. حدود ۱۷ میلیون نفر در سن ازدواج مجرد مانده‌اند و این وضعیت، ایران را به سرعت به سمت پیری جمعیت سوق می‌دهد.

کشوری که در دهه‌های گذشته از فرصت پنجره جمعیتی – یعنی فراوانی نیروی جوان – بهره نبرد و آن را با سیاست‌های کنترل جمعیت از دست داد، اکنون با پیری همان نسل مواجه است. در هر دو مورد هم مسسئولان صرفا از شرایط، ابراز ناخرسندی کر ه‌اند و دیگر هیچ. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا چند دهه آینده، سالمندان بخش قابل توجهی از جمعیت را تشکیل خواهند داد و بار تأمین اجتماعی و اقتصادی سنگین‌تر خواهد شد.

جوانی جمعیت، طرحی باری به هر حال

سیاست جوانی جمعیت، هرچند با نیت خوب آغاز شد، ظاهراً بیشتر به وظیفه اداری و ایده باری به هرحال، تبدیل شده تا باور عمیق مسئولان و جامعه. بدون اصلاحات ساختاری واقعی در اقتصاد و فرهنگ، این نگرانی مضاعف ادامه خواهد یافت و نسل جوان دیروز، سالمند فردا خواهد شد بدون اینکه فرصت بهره‌برداری از جوانی‌اش را داشته باشد. در حالی که در برخی از کشورها همچون ژاپن، با وجود ۲۶درصد سالمند، اما شرایطی متفاوت از کشور ما دارد. و این، به تدابیر و مدیریت آنها برمی‌گردد.

وزارت راه و شهرسازی
راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی(یکپارچه) شماره ۷-۴۵-۱۴۰۴ چاپ نوبت اول

اداره کل راه آهن هرمزگان در نظر دارد نسبت به خرید ۲۷۰۰۰ قالب کفشک ترمز کامپوزیت را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی WWW.setadiran.ir به شرح زیراقدام نماید.مناقصه گران موظفند برای شرکت در مناقصه نسبت به ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا انتخاب برنده از طریق سایت مزبور انجام می گردد.

۱-شرح مختصر موضوع مناقصه: خرید ۲۷۰۰۰ قالب کفشک ترمز کامپوزیت
۲-مبلغ برآورد : ۱۵۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال
۳-نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ۷,۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت:
الف- ضمانتنامه بانکی در وجه شرکت راه آهن ج.ا.ا صادره یکی از بانکهای مجاز که حداقل سه ماه از آخرین تاریخ تحویل پیشنهادها اعتبار داشته وبه درخواست کارفرما برای سه ماه دیگر قابل تمدید باشد.
ب- اصل فیش واریز نقدی بحساب شماره IR. ۲۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۶۴۰۰۶۳۷۲۶۲۴ بنام تمرکز وجوه سپرده راه آهن نزد بانک مرکزی با شناسه واریز ۹۸۴۲۸۰۵۰۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ قابل پرداخت در کلیه شعب بانکها
ج- اوراق مالی اسلامی دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید
۴-مدت و محل اجرا : مدت اجرا قرارداد به مدت ۸ ماه بوده ومحل تحویل طبق اسناد مناقصه میباشد.
۵-مهلت دریافت اسناد مناقصه : حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵
۶- مهلت بارگذاری اسناد مناقصه: حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹
۷- فراخوان مناقصه فوق از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http:/iets.mporg.ir اطلاع رسانی میگردد.
۸- قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
۹- ارائه پروانه بهره برداری تولید در زمینه موضوع مناقصه از وزارت صنعت ، معدن و تجارت و ارائه گواهی صلاحیت از نظام فنی و اجرایی راه آهن ج.ا.الزامی میباشد.
شایان ذکراست دریافت اسناد صرفاً میبایست ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) صورت پذیرد.در صورت بروز هرگونه ابهام با شماره ۱۴۵۶ (پشتیبانی سامانه ستاد) تماس حاصل نمائید.

شناسه آگهی : ۲۰۸۰۹۵۷

اداره کل راه آهن هرمزگان

۶۲۶۶

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا خبر داد

هفته زمستانی در ایران؛ برف و باران و سرما

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از تداوم بارش در اکثر مناطق کشور خبر داد و گفت: سه‌شنبه و چهارشنبه (۹ و ۱۰ دی‌ماه) دمای هوای ایران کاهش می‌یابد.

صادق ضیاییان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره پیش‌بینی کلی وضعیت هوا برای پنج روز آینده اظهار کرد: بر اساس تحلیل آخرین نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی، امروز (۷ دی‌ماه) در بیشتر مناطق کشور به جز جنوب شرق، شرق و سواحل شرقی دریای خزر، ابرناکی و بارندگی پیش‌بینی می‌شود. در جنوب آذربایجان غربی، غرب کردستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، شمال غرب فارس، جنوب اصفهان و بوشهر بارش‌ها شدت خواهد داشت.

کاهش محسوس دما طی سه‌شنبه و چهارشنبه

وی در ادامه گفت: فردا (۸ دی‌ماه) ابرناکی و بارش در کل کشور به جز مناطق مرکزی ادامه خواهد داشت. پس‌فردا (۹ دی‌ماه) این سامانه در جنوب غرب، غرب و مناطقی از شمال غرب، دامنه‌های جنوبی البرز، مرکز، شرق و شمال شرق کشور فعال خواهد بود و در غالب مناطق بارش برف، وزش باد شدید و کاهش دما رخ می‌دهد همچنین با نفوذ جریانات سرد به سواحل دریای خزر، بارش باران و وزش باد همراه با کاهش دما در این سواحل پیش‌بینی می‌شود. چهارشنبه (۱۰ دی‌ماه) وزش باد و کاهش دما در شرق و جنوب شرق کشور ادامه خواهد داشت و بعد از ظهر در آذربایجان غربی، ارتفاعات آذربایجان شرقی و اردبیل افزایش ابر و رگبار برف رخ می‌دهد. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا افزود: پنجشنبه (۱۱ دی‌ماه) در برخی مناطق شمال غرب بارش پراکنده پیش‌بینی می‌شود. علاوه بر این بر اساس تحلیل نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری طی دو روز آینده، خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و طی سه روز آینده دریای خزر مواج خواهند بود.

ضیاییان ادامه داد: طی سه روز آینده در نیمه شرقی، شمال غرب، دامنه‌های جنوبی البرز و مرکز، وزش باد به‌صورت شدید خواهد بود همچنین روز سه‌شنبه

و چهارشنبه کاهش محسوس دما در کشور پیش‌بینی می‌شود.

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا درباره وضعیت جوی تهران طی دو روز آینده اظهار کرد: آسمان تهران فردا دوشنبه (۸ دی‌ماه) نیمه ابری و وزش باد گاهی بارش پراکنده و احتمال وزش باد به‌تدریج کاهش ابر با حداقل دمای ۱ و حداکثر دمای ۶ درجه سانتیگراد و طی سه‌شنبه (۹ دی‌ماه) قسمتی ابری تا نیمه ابری و وزش باد گاهی بارش باران و برف و وزش باد شدید با حداقل دمای ۶- و حداکثر ۳ دمای درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود.

ضیاییان در پایان گفت: طی فردا و پس فردا (۸ و ۹ دی‌ماه) بندرعباس با دمای ۲۲ و ۲۳ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و ارومیه با دمای ۹ - و ۱۳ - درجه سانتیگراد سردترین مراکز استان کشور خواهند بود.